انترناسیونال ٧٤٢

محسن ابراهیمی

**اورشلیم: کاسه ای پر از عقرب!**

**سه عقرب دیگر: دونالد ترامپ، اردوغان و روحانی!**

"خداوند از ١٠ پدیده زیبای جهان، نه تایش را به اورشلیم عطا کرده است و یک تایش را به بقیه جهان"!

مجله اکونومیست در مقابل این تصویر تلمود (تورات شفاهی) گفته است که برعکس از ده درد و رنجی که خداوند به جهان عطاکرده است نه تایش به اورشلیم و یک تایش به بقیه جهان رسیده است!

اکونومیست از تصمیم دونالد ترامپ راضی نیست که اورشلیم را پایتخت اسرائیل اعلام میکند و از این تصمیم همچون نیش سمی عقرب در مکان مقدسی یاد میکند که به قول جغرافی دانی در قرون وسطی شبیه "کاسه ای پر از عقرب" است!

میخواهم فقط چند نکته کوتاه به این استعارات سیاسی اکونومیست که در قالب اسطوره پیچیده شده است اضافه کنم:

١- دونالد ترامپ از نظر بخش مهمی از سران دول سرمایه داری گزینه سیاسی مطلوبی برای رهبری سرمایه داری آمریکا نیست و سیاستهایش از نظر ثبات جهان سرمایه داری مخرب است. اکونومیست با این استعاره ها این نارضایتی را منعکس میکند.

٢- حتی اگر بتوان به فرض محال اورشلیم را از تاریخ و طبقات و سیاست جدا کرد، همینکه معابد و مکانهای مقدس سه دین بزرگ جهانی در یک مکان قرار دارند خود به اندازه کافی مبنای خصومت و کینه و شر و جنایت و تبه کاری است. همینکه دیوار ندبه یهودیت، کلیسای مقدس مسیحیت و مسجدالقصی و قبة الصخره اسلام در یک جا کیپ هم ردیف شده اند ماتریال کافی برای حتی بیش از سه هزاره کینه و نفرت و آدمکشی بدست میدهد.

از نظر یهودیت: سنگی که جهان با آن بنا شده است در اورشلیم قرار دارد!

از نظر مسیحیت: داستان زندگی [عیسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%DB%8C%D8%B3%DB%8C) از [مصلوب شدن](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%B5%D9%84%DB%8C%D8%A8_%D8%B9%DB%8C%D8%B3%DB%8C) تا مرگ و [رستاخیز](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AE%DB%8C%D8%B2_%D9%85%D8%B3%DB%8C%D8%AD) همینجا رخ داده‌است!

از نظر اسلام: پیامبر اسلام با همه پیامبران قبل از خود همینجا عیادت کرده است و بر روی قبه الصخره سوار براق (حیوان بالداری از ترکیب خر و اسب) شده است و به آسمان معراج کرده است!

براستی که این "بیت المقدس" کاسه ای پر از عقرب است!

٣- اما اسطوره ها و افسانه ها و خرافات هر سه دین فقط پوشش "مقدس" منافع "نامقدس" زمینی بوده اند و هستند.

اینجا فقط به آخرین جلوه های سیاسی این منافع زمینی اشاره میکنم:

دونالد ترامپ تجسم شخصی موقعیت تضعیف شده سرمایه داری آمریکا در دنیای پسا جنگ سردی است. هارت و پورت سیاسی این میلیاردر طبقه حاکم آمریکا علیه تروریسم اسلامی هم هیچ چیزی نبود و نیست جز:

اولا، ایجاد فضای ترس در داخل آمریکا و پیش بردن سیاستهای راست تعرض به حقوق کارگران و توده های تهیدست این جامعه. ثانیا، توجیه سیاسی برای دست بردن به سیاستهای میلیتاریستی در سطح جهان و شکل دادن و تحکیم موقعیت برتر در جهان هنوز شکل نگرفته بعد از پایان جنگ سرد.

برسمیت شناسی اورشلیم به عنوان پایتخت دولت نژاد پرست اسرائیل گام جدیدی است در انسجام بخشیدن به جبهه ای که مهره اصلیش در خاورمیانه اتفاقا عربستان سعودی است که متولی تروریسم سنی وهابی است و از این طریق کسب مقام رهبری سیاسی در این جبهه.

جالب است که در راس شاخه سنی تروریسم اسلامی در رقابت با شاخه شیعی آن دونالد ترامپ مسیحی در حمایت از بنیامین نتانیاهوی یهودی و با حمایت قاطع محمد بن سلمان مسلمان قرار دارد! این البته از "عجایب" دوران جدید است که شاید به خوبی نشان میدهد که مساله این رهبران تبه کار ابدا خود مذهب نیست. خدمات سیاسی مذهب است. به روشنی میتوان دید که منافع سیاسی و طبقاتی اصل است و مذهب فقط ابزار این جبهه بندی طبقاتی و سیاسی است.

قابل انتظار بود که با این تحرک "عدالت طلبانه" دونالد ترامپ مسیحی به نفع نتانیاهوی یهودی نژاد پرست میدانی برای تحرک "عدالت طلبانه" جبهه مقابل در اردوی تروریسم شیعی فراهم شود. برای خامنه ای و حسن روحانی که تا خرخره در دریای اعتراضات کارگری و سیاسی غرق هستند چه فرجه طلایی بهتر از این میتوان تصور کرد؟

اینجاست که به منافع زمینی طرف مقابل باید تاکید کرد. شاخص ترین عضو طرف مقابل روسیه پوتین و جمهوری اسلامی است. کنفرانس فوق العاده "سازمان همکاریهای اسلامی" به سرکردگی اردوغان تلاش کرد به بهانه تحرک ترامپ مسیحی و نتانیاهوی یهودی به این جبهه مقابل اسلامی تحرک تازه ای بدهد.

اما روشن است که در پشت اتحاد این شخصیتهای سیاسی با ظاهر و چهره مذهبی و در قالب مذهبی باید رد پای بحرانهای سیاسی داخلی به همراه رقابتهای به فرجام نرسیده در سطح جهان را دید. مذهب ابزار آگاهانه انتخاب شده این شخصیتهای سیاسی برای منافع سیاسی است.

اینکه اردوغان سنی، سرگردانترین شخصیت تقابلهای دو جبهه ای در خاورمیانه و جهان با فراخوان جلسه اضطرری "سازمان همکاریهای اسلامی" مبتکر پاسخ "دندان شکن" به جبهه مقابل شد چیزی از این حقیقت سیاسی کم نمیکند که در حال حاضر مساله در خاورمیانه تقابل و رقابت شاخه سنی و شیعی تروریسم اسلامی به رهبری عربستان سعودی از یکطرف و جمهوری اسلامی از طرف دیگر است. و روشن است که این تقابل خود وجهی منطقه ای از تقابل جهانی تر است که در راسش آمریکا و روسیه قرار دارند.

رجزخوانی اردوغان به همراه حسن روحانی در کنفرانس "سازمان همکاریهای اسلامی" برای هر دو مصرف مشابهی دارد: داخلی و جهانی.

مصرف داخلی: هر دو نماینده رسمی فساد و دزدی و آدمکشی در جامعه ای پر از تحرک اعتراضی هستند و مثل همه همکیشان جهانیشان دارند از دشمن خارجی برای ترساندن اهالی داخلی استفاده میکنند.

مصرف جهانی: سیمای سیاسی جهان بعد از پایان جنگ سرد هنوز شکل نگرفته و تثبیت نشده است. دولتهای سرمایه داری در جهان و منطقه حاضرند نه تنها منطقه بلکه کل جهان را به خاک و خون بکشند تا قلمرو نفوذ اقتصادی وسیاسی خود در جهان در حال شکل گیری را تحمیل و تثبیت کنند.

و برای رسیدن به این هدف نامقدس، برای عقربهای سمی جهان معاصر چه جایی بهتر از "کاسه ای پر از عقرب" در بیت المقدس میتوان پیدا کرد؟

٤- مساله این است که در دنیای هنوز شکل نگرفته و هنوز به فرجام نرسیده پسا جنگ سردی، همه این سران مرتجع که با ماسک یهودیت و مسیحیت و اسلام وارد میدان شده اند، علیرغم اختلافها و تنشها و رقابتهاییشان تنها اردویی نیستند که قرار است سیمای سیاسی جهان را شکل بدهند.

نیروی دیگر و سومی وجود دارد که اصولا اتحادها و اختلافات همه این اردوی ارتجاعی برای مقابله و مبارزه مشترکشان برای شکست دادن این نیروی سوم شکل گرفته است.

روشن است که در رسانه های طبقات حاکم در جهان نمیتوان تصویر واقعی از تحرک و پتانسیل و قدرت این نیروی سوم بدست آورد. مخصوصا اینکه ما در دنیایی زندگی میکنیم که علیرغم اینکه انقلابات موسوم به "بهار عربی" با تعرض خونین جهان سرمایه داری مواجه شد اما هنوز شبح این انقلابات همچنان هراس انگیز است.

همین لحظاتی که این سطور را مینویسم یکی از مهمترین قطبهای این تقابل ارتجاع جهانی یعنی جمهوری اسلامی شاهد شورانگیزترین تقابل طبقاتی و سیاسی این نیروی سوم با ارتجاع حاکم در ایران است. کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران معدن کرمانشاه، کارگران بازنشسته فولاد و کارگران و بازنشتستگان دهها مراکز تولیدی و خدماتی همین لحظه دارند مبارزه ای شکوهمند با ارتجاع سرمایه داری حاکم در ایران را پیش می برند و در همین چند روز گذشته شکستهای مهمی را به طبقه سرمایه دار حاکم در ایران تحمیل کرده اند.

میدانیم که سرمایه داری ایران تحت سلطه حکومت اسلامی یک قطب مهم در رقابتهای جهانی برای شکل دادن به جهان پسا جنگ سردی است. و میدانیم که این مبارزه طبقاتی و سیاسی کارگران و نیروهای پیشرو در ایران یک جلوه مهم از مبارزه ای است که در اشکال دیگر در غرب وشرق، در آمریکا و لندن و سایر کشورهای اروپا و افغانستان و عراق سایر نقاط منطقه در جریان است.

دنیا فقط میدان نیروهایی نیست که با اتکاء به پیامبران عقرب صفت یهودیت و مسیحیت و اسلام در اورشلیم زندگی میلیاردها انسان را به تباهی بکشند. نبردی بزرگ با این ارتجاع طبقاتی و مذهبی در جریان است. نبردی که در راسش طبقه کارگر آگاه و آزادیخواه و برابری طلب قرار دارد. نبردی که بی تردید ایران تحت سلطه یکی از این عقربها در پیشاپیش آن قرار دارد.